

بازی دولت با خصوصی سازی

دکتر حسین وکیلی

هنگامی که بحث تفکیک بخش های اقتصادی کشور مطرح می شود بی درنگ مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این رابطه مطرح نظر قرار می گیرد و سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی به صورت شقوق متصور و معمول در اقتصاد کشور مان عنوان می گردد.

برای بیسبان مختصات و مولفه های شرکت ها و سازمان های دولتی و تعریف وضعیت حقوقی این نهادها، به ساده ترین وجه تمیز آن که توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی و قانون تجارت تعریف و تبیین شده می توان اشاره کرد.

در این تعریف وجه مشخصه سازمان ها و شرکت های دولتی آن است که بیش از ۵۰ درصد سرمایه آنها به دولت تعلق داشته باشد. البته در اغلب سازمان ها و شرکت های فوق معمولاً درصد سهام و سرمایه متعلق به دولت است.

این تعریف ساده عملاً مرزبندی مشخصی را بین بخش های دولتی و خصوصی ایجاد نموده و از نظر صورت قضیه می توان طبیعت و هویت حقوقی و مالکیت یک سازمان یا شرکت را معین و شمول قوانین بر آنها را تعیین نمود.

آنچه که این روزها و شاید از مدتی پیش در مورد پدیده خصوصی سازی و محدود کردن دامنه و گستره بخش دولتی مطرح گردیده و علی الخصوص واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی را در نظر قرار داده است و دولت محترم نیز سازمان پرسابقه لیکن جدیدالاسمی را برای اجرای این امر منصوب نموده است نیت تغییر نسبت های مالکیت بین بخش دولتی و خصوصی نیست بلکه بحث بر سر تغییر ماهیت اجرایی و تغییر تفکر حاکم بر اداره شرکت های دولتی است.

اصولاً پس از انقلاب اسلامی ایران فکر خصوصی سازی از زمانی قوت گرفت که ناکارآمدی مدیریت های حاکم بر سازمان ها و شرکت های دولتی به طور محسوس آشنکار گردید و شواهد آن در تابلوهای مالی و عملکرد فعالیت آنها منعکس شد. زبان های سنگین سالانه، انباشت زبان های سخوات، فرسودگی ماشین آلات و تجهیزات و عدم امکان جایگزینی آنها با فن آوری های نوین، توقف و عقب گرد آگاهی ها و توانایی های حرفه ای نیروی انسانی و سقوط برنامه های آموزشی به حد نازل، تورم نیروی انسانی بیش از نیاز، عدم امکان برنامه ریزی ساختاری و بلندمدت بر اثر نارسایی های فوق، عدم امکان رقابت در بازارهای داخل و خارج، بهره گیری از شرایط انحصاری و اختصاصی ماخوذه از حکومت و استمرار روند سیکل معیوب فوق و چندین مشخصه دیگر همگی از آثار و نشانه های منفی عملکرد مدیریت های دولتی و سایه سنگین این مدیریت ها بر بنگاه های اقتصادی تحت پوشش دولت و سازمان های تابعه آن بوده که دولت و هیات حاکمه را به یکرانی عمیق واداشسته است. فشار اقتصاد بین الملل و نهادهای مالی بین المللی نیز قواعد خاصی را از خارج از مرزها بر این سازمان های اقتصادی مستولی نموده که نتیجتاً دولت را ناگزیر به واگذاری این بنگاه های اقتصادی به بخش خصوصی کرده است. خصوصی سازی بنگاه های اقتصادی و واحدهای تولیدی اصولاً مقوله موجه، پسندیده و مثبتی ارزیابی می شود لیکن به روشی که در دست اجراست نه تنها گرهی از

مشکلات اقتصادی کشور نمی گشاید بلکه دامنه مشکلات و شکایات و نارسایی ها را وسیع تر نموده است.

اگر به ترکیب و نحوه خصوصی سازی اغلب شرکت های دولتی خصوصی شده به دقت و از درون و به خصوص با توجه به ترکیب جدید سهامداران آنها بنگریم مشاهده می کنیم که اولاً روش غالب برای اجرای خصوصی سازی عبارت از تغییر ماهیت شرکت ها از سهامی خاص به سهامی عام و سپس ورود به بورس و انباشت و واگذاری درصدی از سهام دولت به اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی می باشد. ثانیاً در این پروسه محدودیت های مشهود و نامشهود برای واگذاری سهام به اشخاص فوق در نظر گرفته می شود که هر یک از آنها خریداران سهام عملاً مالک جز و کوچکی از سرمایه شرکت خواهند بود. ثالثاً به منظور حفظ و استمرار ساختار مسلط مدیریت دولتی بر این شرکت ها کمکان درصد قابل توجهی از سرمایه و سهام این شرکت ها (کم تر از ۵۰ درصد) در اختیار بخش دولتی باقی می ماند که طبیعتاً برای توجیه خصوصی بودن شرکت و تطبیق آن با تعاریف قانونی الزامی است.

منتجه خصوصی سازی به سبک و سیاق فوق در واقع ادامه روند تسلط تفکر دولتی و استمرار مدیریت مدیران غالباً ناموفق دولتی بر این شرکت ها می باشد و بس. لیست منتشره سهام ۲۰ شرکت دولتی آماده واگذاری از طرف سازمان خصوصی سازی که اخیراً در مطبوعات کشور درج گردید، متأسفانه فاقد اطلاعات لازم به شرح فوق است و صرفاً به ذکر تعداد سهام بسنده شده و مشخص نیست که چند درصد از سهام شرکت های مذکور در شرف واگذاری است. آیا کمکان روش و واگذاری همان خواهد بود که فوقاً اشاره شد؟ اگر چنین است که جای بسی تأسف خواهد بود.

تمامی فشارها و ادامه بهره گیری از انحصارات نشانات گرفته از ارتباط با دولت و هیات حاکم برای ادامه روش های سنتی و ناموفق گذشته در اغلب شرکت های دولتی عملاً از ادامه حضور تفکر و مدیریت دولتی در این بسترگاه های اقتصادی خبر می دهد.

در تصویری دیگر، تشکیل شرکت های بنا به تعریف "خصوصی" در بخش های نفت و گاز و پتروشیمی و معدن و نظایر آن در سال های اخیر که غالب سهامداران و مدیریت ارشد آنها به طور مستقیم یا غیر مستقیم شرکت های دولتی و یا سازمان های وابسته به دولت می باشند نیز از دیگر مصادیق گسترش ظاهری بخش خصوصی ولی عملاً تعریض و بسط دیوان سالاری دولتی است.

آنچه که فوقاً مطرح شد مسیری است که سال هاست طی می شود و هنوز روزه روشن و امیدوار کننده ای در آن مشهود نیست. اظهارات آقای غلامرضا عبدالوند، نماینده محترم مردم دورد و ازنا در مجلس شورای اسلامی در جمع

کشاورزان و جهادگران استان دایر بر این که: "واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی باعث بروز مشکلات عدیده برای کشور شده که در صورت ادامه این روند دولت به طور قطع با شکست بزرگی رو به رو خواهد شد" (ابراز اقتصادی مورخ ۹ مرداد ۱۳۸۰) گویای این واقعیت است که نه می توان تفکر تجربه شده و پذیرفته شده جهانی خصوصی سازی را مردود دانست و نه می توان روش خصوصی سازی به سبک معمول در کشورمان به عنوان راه کار درست خصوصی سازی تلقی نمود.

خصوصی سازی و واگذاری امور مردم به خود آنها و ایجاد رقابت کمی و کیفی در تولیدات کالاها و خدمات بنگاه های اقتصادی مقوله ای بسیار حساس و پیچیده است و با عوامل انسانی و محیطی رابطه تنگاتنگ دارد و بازنگری و ایجاد تغییرات بنیادی در اغلب قوانین را می طلبد و همسویی تمامی نهادها و قوانین کشور با امر خصوصی سازی به خصوص در زمینه امنیت سرمایه گذاری و قوانین حاکم بر کار و نیروی انسانی را الزامی می دارد.

مناسفانه در روند کنونی خصوصی سازی صرفاً ارزیابی دارایی ها و سهام شرکت های دولتی و واگذاری آنها به متقاضیان و طالبین این گونه شرکت ها در مدنظر است و موانع قانونی، امنیتی و کار و کارگری و به خصوص مدیریتی در تاریکی و سایه می ماند. لذا در این شرایط هم سرمایه گذار بخش خصوصی و هم دولت موفقیتی را که مورد انتظار است نخواهند یافت و عملاً نگرانی آن نماینده محترم مجلس شورای اسلامی از نتایجی که تاکنون حاصل شده است بسیار به جا، قابل تعمق و بررسی جدی است.

امید است "سازمان خصوصی سازی" قبل از شتاب در واگذاری واحدهای بیش تری به بخش خصوصی، موارد و موانع موجود را با مطالعه و دقت در نتایج به دست آمده از واگذاری های گذشته ارزیابی نماید و بستر مناسب را در رفع موانع مذکور مهیا سازد و در این راستا ضوابط و مقررات و آیین نامه های خاصی که اهداف واقعی خصوصی سازی را تامین کند تدوین و تصویب نماید تا مشکلات اقتصادی و اجتماعی جدیدی بسر کشور تحمیل نگردد و امر خصوصی سازی واحدهای تولیدی دولتی با سهولت و موفقیت صورت پذیرد.